

غیر محرمانه

بعد از قالی، نوبت زعفران شد

با وجود افزایش وزن صادرات زعفران ایرانی از ۱۱۳ تن در سال ۱۳۹۰ به ۲۱۰ تن در ۱۴۰۳، ارزش صادرات با افتی ۹۲ درصدی از ۳۵۶ میلیون دلار به کمتر از ۱۸۵ میلیون دلار رسید. عمده صادرات زعفران ایران به صورت فله‌ای و به کشورهایی است که مصرف‌کننده نهایی نیستند و با بسته بندی و صادرات مجدد به ارزآوری بیشتری می‌رسند.

اینستاگرام باید قطع شود

میرسلیم نماینده سابق مجلس گفته است: اینستاگرام باید اصلاً قطع بشه؛ من کاری به نظر مردم ندارم.

پژمان جمشیدی به کشور بازگشت

وکیل پژمان جمشیدی؛ آقای جمشیدی که برای دیدار خواهرش به کانادا سفر کرده بود، ساعتی پیش به کشور بازگشت. پرونده موکل همچنان در مرحله تحقیقات مقدماتی قرار دارد و روند رسیدگی در جریان است. او در صورت نیاز و به احترام قانون، آمادگی حضور در محکمه را خواهد داشت.

جای منتقد زندان نیست، در صداوسیماست

محمدتقی فاضل مبینی، عضو مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم گفته است: نهی از منکر و امر به معروف تنها برای حجاب دخترها در خیابان نیست. عمده‌اش آن است که بنده حس کنم گوشه‌ای از حاکمیت اشتباهی مرتکب می‌شود، اگر من حس کردم که اقتصاد یا سیاست خارجی جامعه در مسیری حرکت می‌کند که به زیان این کشور است باید آن را بیان کنم. علناً بگویم. جای یک منتقد در زندان نیست، در صدا و سیماست تا در آنجا آزاد حرف بزند یا منظره کند. اینکه عده‌ای بنشینند و پرونده‌سازی کنند و افراد را دستگیر کنند هیچ سودی برای کشور ندارد. آمار زندان‌ها باید کم بشود. آمار اعدام‌ها باید صد درصد کم بشود و پایین بیاید نه اینکه ما مرتب اعدام داشته باشیم و هر روز هم رادیوهای بیگانه برای ما برنامه‌ای بسازند و علیه ما سخن بگویند.

هزاران تن سیب و موز در گرمرک فاسد شدند

اختلال در سامانه گرمرکی و مسدود شدن حساب‌ها موجب توقف تجارت سیب، کشمش و موز شده است؛ به‌طوری‌که بیش از هزار تن موز وارداتی و ده‌ها هزار تن سیب صادراتی در آستانه فساد قرار گرفته‌اند.

مسئولان با افراد بی حجاب برخورد قانونی کنند

محمود نبویان نماینده مجلس گفته است: از برهنگی عده‌ای قلیل در جامعه و اعتراض بحق مردم عزیزمان که چنین وضعی حتی مورد اعتراض کسانی که حجاب کاملی ندارند هم قرار گرفته است، زینبده ایران بزرگ و ایرانی متمدن و مسلمان نیست. از مسئولان مربوطه انتظار می‌رود که با افراد هنجار شکن برخورد قانونی نمایند.

آبرسانی به درختان پارک‌ها می‌بایست با آب پی ماند شهری باشد، متأسفانه آب شرب رها و به هدر می‌رود ➤ **عکس: حجت سپهرند** ♦ **عکسنامه**



آبرسانی به درختان پارک‌ها می‌بایست با آب پی ماند شهری باشد، متأسفانه آب شرب رها و به هدر می‌رود

♦ **یاد**

مرد آرام سینما به خاک سپرده شد

علی و نینو هم مانند بادبادک باز نتوانست نقش اسپاسیوس، مقابل هیئاتیا بانوی ستاره‌شناس و فیلسوف در اسکندریه در دوران حکومت روم قرار گرفت. نقش هیئتایا را ریچل رایس بازی می‌کرد و فیلم را لطفانرو آمنابار کارگردان فیلم دیگران ساخته بود.

ارشادی در فیلم علی و نینو هم بازی کرده است. این فیلم هم درست مثل بادبادک‌باز از روی رمانی به همین نام ساخته شده که یکی از مهم‌ترین آثار بین فرهنگی محسوب می‌شود. رمان را قربان سعید، نویسنده آذربایجانی نوشته و یکی از لطیف‌ترین عاشقانه‌های دوران جنگ است. در فیلم علی و نینو، همایون ارشادی در نقش پدر علی ظاهر شده و بازی نسبتاً قابل قبولی ارائه داده است. هرچند فیلم

داد اما برای بیننده‌های سینما نگاه‌های ارشادی و طعم دیگری دارد. ارشادی در میانسال‌ی وارد سینما شده بود اما خیلی زود با استقبال سینماگران خارج از کشور موا‌جه شد و در چند فیلم هم بازی کرد که مشهورترین بازی او به فیلم بادبادک‌باز برمی‌گردد. البته نسخه سینمایی قابل مقایسه با نسخه ادبی این اثر نبود. در واقع بعد از اقبال وسیعی که به رمان خالد حسینی صورت گرفت، کسانی در فکر ساختن نسخه سینمایی آن برآمدند و نتوانستند چیز خاصی به فضای رمان اضافه کنند.

بااین حال بازی ارشادی در آن فیلم هم در خاطر دوستداران سینما مانده است. ارشادی در دومین تجربه بین‌المللی عجیب سرباز جوان مقابلهش هم توضیح خود در فیلم یکی از شناخته شده‌ترین

تشبیع و خاک‌سپاری پیکر همایون ارشادی، بازیگری که پس از یک دوره تحمل بیماری سرطان، ۲۰ آبان ماه در سن ۷۸ سالگی از دنیا رفت، در بهشت

سکینه کرج برگزار شد و پیکر او در خاک آرام گرفت. چه کسی می‌تواند خاطره بازی او را در طعم گیلان از یاد ببرد؟ مرد آرامی که به گونه‌ای بی‌توضیح دنبال چیزی است که شنبندش طرف مقابل را در حیرت و ترس فرو می‌برد؟ در برابر حیرت شخصیت مقابل که دست و پای خودش راگم کرده، آرامش همایون ارشادی یکی از فرازهای تکان‌دهنده فیلم طعم گیلان است. ارشادی درباره این تجربه بازیگری با

کیارستمی بعد‌ها حرف زد و درباره حیرت عجیب سرباز جوان مقابلهش هم توضیح خود در فیلم یکی از شناخته شده‌ترین

مهرداد بهار؛ پدر اسطوره‌شناسی ایران

مهرداد بهار، فرزند شاعر نامدار ملک الشعرا بهار، از نسل روشنفکرانی بود که میان شعر، سیاست و اسطوره پلی زد و چهره‌ای تازه از فرهنگ ایران ترسیم کرد. او را پدر علم اسطوره‌شناسی ایران می‌دانند؛ پژوهشگری که با نگاهی علمی و ملی، ریشه‌های کهن فرهنگ ایرانی را ز دل افسانه‌ها بیرون کشید و به زبان امروز بازگرداند. مهرداد بهار، در ۱۰ مهر ۱۳۰۸ متولد شد و در ۲۲ آبان ۱۳۷۳ نیز دیده از جهان فروبست. او در طول عمر ۶۵ ساله خود، خدمات بسیار مهمی را به فرهنگ ایران ارائه داد. به گزارش فراور، مهرداد، پنجمین فرزند ملک‌الشعرا بهار بود. او تحت‌تعالیم پدر رشد کرد و در نهایت نیز چنان‌که انتظار می‌رفت به یکی از مهم‌ترین چهره‌های فرهنگی قرن گذشته در ایران بدل شد.

روی هم رفته باید مهرداد بهار را یکی از درخشان‌ترین چهره‌های فرهنگی قرن گذشته دانست. او که به‌عنوان پدر علم اسطوره‌شناسی در ایران شناخته می‌شود، خدمات مهمی در راستای تدوین دقیق اساطیر ایران و کشورهای جهان داشته است.

مهرداد بهار از همان روزهای کودکی تحت‌تعالیم پدرش، ملک‌الشعرا بهار، به ادبیات و دیگر علوم انسانی علاقه‌مند شد. او که در واقع پنجمین فرزند ملک‌الشعرا است، علاوه بر شاگردی در محضر پدر، تحصیلات ابتدایی را در دبیرستان جمشید جم شروع کرد و در دبیرستان‌های بنامی مانند فیروز بهرام و الیزا ادامه داد. پس از اتمام تحصیلاتش در دبیرستان، برای تحصیل در رشته ادبیات فارسی وارد دانشگاه تهران شد. بااین‌حال دیری نپایید که مهرداد به دلیل فعالیت‌های سیاسی از تحصیل در دانشگاه تهران محروم و همچنین در ادامه به‌مدت چهار سال زندانی شد.

بعد از آزاد شدن از زندان درحالی‌که ۲۸ساله بود، مجدداً به دانشگاه بازگشت و این‌بار توانست تحصیلاتش را در مقطع کارشناسی رشته ادبیات فارسی به پایان برساند. پس از به اتمام رساندن تحصیلاتش در دانشگاه تهران، برای ادامه تحصیل به انگلیس رفت و چندین سال را در لندن گذراند.

در ادامه به ایران بازگشت و در ایران شروع به تدریس کرد. بهار ادامه زندگی‌اش را در دانشگاه تهران به تدریس در رشته اسطوره‌شناسی و با تمرکز بر اساطیر ایران سپری کرد.

چندین کتاب با موضوع اساطیر چاپ کرد و نقش مهمی در ترویج علم اسطوره‌شناسی و همچنین احیای اساطیر ایران باستان ایفا کرد. مهرداد بهار شاگردان بسیاری را که هرکدام از آن‌ها استادان امروز اسطوره‌شناسی در ایران هستند تربیت کرد.

او، مسیری را برای دیگران هموار کرد که تا پیش از وی مسیری دور و دراز به‌نظر می‌رسید. به همین سبب بسیاری او را با عنوان پدر علم اسطوره‌شناسی ایران به یاد می‌آورند. از مهم‌ترین آثار تالیفی مهرداد بهار می‌توان به «از اسطوره تا تاریخ»، «سختی چند درباره شاهنامه»، «اساطیر ایران»، «پژوهشی در اساطیر ایران» و... اشاره کرد.



♦ **صدا**

روزی روزگاری دوبله ایران!

سعید مظفری که به تازگی درگذشت، جای کوین کاستنر جوان گویندگی می‌کند. این شخصیت مقابل کوین کاستنر «با گرگ‌ها می‌رقصد» قرار دارد که کاراکتر جافناد و آرامی داشت و با صدای خسرو خسروشاهی او را دیده‌ایم. کاستنر این فیلم، سرزنده و شوخ و شنگ است و به اصطلاح دیوار راست را بالا می‌رود. سعید مظفری هم به خوبی حشش را ادا کرده است.

طی چندسال گذشته که تعدادی از بزرگان دوبلاژ ایران از دنیا رفته‌اند، جایگزینی نداشته‌اند و جای خالی صدا و شیوه گویندگی‌شان در دوبله فیلم‌ها به شدت احساس می‌شود. البته دوبله آثار خارجی که فیلم‌ها هم دیگر دوام و قوام فیلم‌های گذشته را ندارند، ادامه دارد و به قول قدیمی‌های دوبله روند فارسی‌سازی فیلم‌ها انجام می‌شود اما دوبله به معنای واقعی کلمه، انجام نمی‌شود.

در چنین شرایطی است که بازیبنی و تماشای دوباره آثار سینمایی، حسرت دوبله‌های قدیمی را در دل مخاطبان جدی این حرفه زنده می‌کند و یک‌نکته را هم تذکر می‌دهد؛ این که خیلی از فیلم‌هایی که می‌دیدیم و از تماشایشان لذت می‌بردیم، واقعاً آثار ارزشمند و قدرتمندی نبودند؛ این دوبله فارسی گویندگان و مدیر دوبلاژهای ایرانی و فارسی‌زبان بود که تماشای این آثار را شیرین می‌کرد و می‌توان کلی ایراد فیلمنامه‌ای و فنی به این آثار گرفت. یکی از آثار ضعیف سینمای وسترن آمریکا که دوبله فارسی‌اش، آن را بالا کشیده و تماشایش را لذت بخش می‌کند، «سیلورادو» ساخته لارنس کدسن در سال ۱۹۸۵ است.

فیلم از نظر جذابیت، نمی‌تواند تماشاگر امروزی را راضی کند و از دیدنش خسته خواهد شد. چون مانند بسیاری دیگر از آثار وسترن (بجز سه‌گانه اسپاگتی سرچیلوئونه و معدود فیلم‌های مهم چون باگرگ‌ها می‌رقصد) چیزی جز تیراندازی، اسب سواری در دشت‌های باز، کتک‌کاری، عبور از رودخانه و جاده، به مقصد رساندن دلیجان، نجات برادر محکوم به اعدام، پس گرفتن صندوق پول، به هم ریختن کافه و بزبن بزبن، حضور سفیدپوست‌های منصف که حق سیاه‌پوست‌ها را رعایت می‌کنند و... چیزی ندارد. فقط تعدادی از چهره‌های مطرح وقت سینمای آمریکا در آن حضور دارند که ایفای نقش‌شان با شنیدن صدای گویندگان ایرانی برایمان تحمل‌کردنی شده است. البته یک بحث همینست که نباید از قلم بیفتد وسترن هم در این فیلم هست که نباید از قلم بیفتد و همیشه و همیشه با این شلوغ‌کاری‌ها، از نظر مخاطب ایرانی مغفول مانده است؛ «تصاحب زمین» که ریشه در همان رفتار استعماری آمریکایی‌هایی دارد که مثل جان وین با سرخ‌پوست‌های یاغی (صاحبان اصلی زمین) جنگیده‌اند.

صداهایی که در نسخه دوبله این فیلم، به ترتیب می‌شنویم، از این قرارند: مرحوم ناصر احمدی، مرحوم جلال مقامی، تورج مهرزادیان، ابوالقاسم محمدطاهر، مرحوم مهدی آرین‌نژاد، مرحوم بیژن علی محمدی، میرطاهر مظلومی، مرحوم حسین عرفانی، مرحوم مازیار بازیاران، منوچهر زنده دل، مرحوم سعید مظفری، اکبر منانی، شهاب عسکری، مرحوم محمدعلی اشکیوس، مهرداد ارمغان، فریبا شاهین مقدم، کریم بیانی، حسین نورعلی، مینا شجاع و کتایون اعظمی. سعید مظفری که به تازگی درگذشت، جای کوین کاستنر جوان گویندگی می‌کند. این شخصیت مقابل کوین کاستنر «باگرگ‌ها می‌رقصد» قرار دارد که کاراکتر جافناد و آرامی داشت و با صدای خسرو خسروشاهی او را دیده‌ایم. کاستنر این فیلم، سرزنده و شوخ و شنگ است و به اصطلاح دیوار راست را بالا می‌رود. سعید مظفری هم به خوبی حشش را ادا کرده است. بجز زیبایی‌شان دادن استعمار آمریکایی‌ها و تصاحب زمین‌های بومیان، فیلم‌های وسترن و همین «سیلورادو»، چند آموزه همیشگی دیگر دارند؛ یکی این‌که کلانتر به عنوان نماینده قانون بد است و خودت باید با هفت تیر و خشونت حق را بگیری. پس قانون ول معطل است. همیشه هم صحنه‌ای هست که قهرمان قانون‌گرای داستان باید به نهایت حد خشم خود برسد و بی خیال گوشه دنج و آرامش شود و یک تنه شهر را به هم بریزد و حق کلانتر و آدم‌بدهای دیگر را کف دستشان بگذارد.

فیلم‌های وسترن از این جهت آینه تمام‌نمای آمریکایی هستند که از اول این‌طور بنا شد و امروز در رسانه‌ها به‌عنوان حکومت قانون شناخته می‌شود. در حالی که همه می‌دانیم این تبلیغات و سفیدشویی‌ها مال توی فیلم‌ها و تولیدات رسانه‌هاست!

اما چیزی که برای ما بینندگان و مخاطبان ایرانی جالب بوده و هست، هفت تیرکش‌های آواره‌ای هستند که صدای گویندگان دوبلاژ ایران باعث شده دوستان بداریم و با آن‌ها همذات‌پنداری کنیم؛ هفت تیرکش‌هایی که اولش تنها هستند، بعد می‌شوند سه چهار نفر و با هم می‌تازند و در افق محو می‌شوند.

واقعاً دوبلاژ ایران و هنرمندان ایرانی چه خدمتی به سینمای آمریکا و جهان کرده‌اند! البته باید گفت هرچه کردیم برای دل خودمان بوده و با هنرمان، فیلم‌ها را از آن خود کرده‌ایم. کما این‌که خیلی از شیرین‌کاری‌های گویندگان دوبلاژ هنوز هم که هنوز است، مثل ضرب المثل در دهان اهالی سینما و مخاطبان جدی فیلم‌های دوبله می‌چرخند. پس زنده باد دوبله ایران!